

اسم رمز «جاوید شاه» و معنای سکولار دموکراسی

جاوید شاه و تعهد به رأی مردم و دموکراسی پارلمانی

دکتر پیمان بخشایش

جراح تروما | MD, PhD, MBA

۲۷ سپتامبر ۲۰۲۶

وقتی می‌گوییم «جاوید شاه»، منظور ما باید دفاع از سکولار دموکراسی پارلمانی باشد. هر ایرانی که این شعار را سر می‌دهد، باید در کنار آن از انتخابات آزاد، حق انتخاب مردم و برابری شهروندان دفاع کند. حمایت من از شاهزاده رضا پهلوی و پادشاهی مشروطه بر همین تعهد استوار است: هیچ قدرتی بالاتر از قانون و هیچ اراده‌ای جایگزین رأی آزاد مردم نباشد. معنای سیاسی این شعار را باید در آزادی انتخاب، پاسخ‌گویی مسئولان و امکان تغییر مسالمت‌آمیز قدرت نشان داد.

مسئله اصلی جنبش شیر و خورشید، گردآوردن ایرانیان حول آینده‌ای است که در آن سرنوشت کشور با رأی مردم تعیین شود. برای گسترش این همکاری باید چهار اصل را پیوسته و روشن بیان کنیم: تمامیت ارضی، حکومت قانون، حق انتخاب و برابری شهروندان. این اصول باید مبنای گفت‌وگو با مردم، پاسخ به نگرانی‌های آنان و رفتار فعالان جنبش باشد. بحث درباره ساختار دولت گذار نیز باید در خدمت همین هدف قرار گیرد؛ اولویت امروز، ایجاد اعتماد به یک آینده آزاد و دموکراتیک است.

۱ میراث مشروطه و خواست پیشرفت

از مشروطه به این سو، یکی از خواست‌های ماندگار ایرانیان برخورداری از کشوری قانون‌مدار و پیشرفته بوده است؛ کشوری که در آن قدرت محدود شود، نمایندگی مردم معنا داشته باشد و آموزش، تولید، امنیت و رفاه گسترش یابد. آنچه پیشینیان با تعبیر رسیدن به «ملل راقیه» بیان می‌کردند، امروز باید با معیارهای روشن‌تری سنجیده شود: کیفیت زندگی، فرصت برابر، آزادی سیاسی، توان علمی و اقتصادی و احترام به کرامت انسان.

در خوانش من، رسیدن به این مقصود با موانع متعددی روبه‌رو شده است. ساختار سنتی و عمدتاً روستایی جامعه در بخش بزرگی از تاریخ معاصر، تأخیر در صنعتی‌شدن، ضعف احزاب و نهادهای مستقل، تمرکز قدرت و دخالت خارجی هر یک در این مسیر نقش داشته‌اند. گسترش کمونیسم پس از انقلاب اکتبر در همسایگی شمالی ایران و سپس قدرت‌گیری اسلام‌گرایی نیز بر زبان و اولویت‌های نیروهای سیاسی اثر گذاشت. وزن هر عامل نیازمند بررسی تاریخی جداگانه است؛ فروکاستن همه این مسیر به یک علت، فهم ما را محدود می‌کند.

من خواهان ادامه پروژه نوسازی ایران همراه با تکمیل آزادی سیاسی هستم. توسعه‌ای که مردم نتوانند درباره جهت آن تصمیم بگیرند، آسیب‌پذیر می‌ماند؛ آزادی نیز برای دوام به نهادهای کارآمد و امکان زندگی شرافتمندانه نیاز دارد. معنای امروزی وفاداری به مشروطه، پیوند این دو مطالبه است. گذشته می‌تواند سرمایه تجربه و هویت باشد، اما برنامه آینده باید پاسخ‌گوی نیازهای شهروند امروز باشد.

۲ محتوای حکومت و جایگاه پارلمان

در بحث جمهوری و پادشاهی، معیار اصلی من محتوای دموکراتیک حکومت است. مردم باید بتوانند شکل نظام سیاسی، قانون اساسی و نمایندگان خود را آزادانه انتخاب کنند و از راه نهادهای منتخب بر اداره کشور اثر بگذارند. در وبسایت رسمی شاهزاده رضا پهلوی، تمامیت ارضی، حاکمیت قانون مبتنی بر رأی مردم، انتخابات آزاد و برابری شهروندان در کنار جدایی دین از حکومت و آزادی‌های فردی مطرح شده‌اند. [۱] در این مقاله، چهار اصل تمامیت ارضی، حکومت قانون، حق انتخاب و برابری شهروندان را محور تعهد عملی حامیان شاهزاده رضا پهلوی قرار می‌دهم.

الگوی مطلوب من پادشاهی مشروطه پارلمانی است که مردم آزادانه آن را انتخاب کنند. در این الگو، مقام پادشاه در حدود قانون اساسی نقش نمادین و غیرحزبی دارد و اداره اجرایی کشور بر عهده دولتی است که به پارلمان منتخب پاسخ می‌دهد. از شوراهای محلی تا پارلمان ملی، نمایندگی سیاسی باید بر انتخابات آزاد استوار باشد و دولت از اعتماد نمایندگان مردم برخیزد. شکل حکومت و حدود اختیارات مقام‌های آن نیز باید به تأیید آزاد مردم برسد. منظور از حاکمیت رأی مردم در همه سطوح، همین منشأ دموکراتیک قدرت و نظارت مستمر بر آن است؛ تصمیم‌های اجرایی در چارچوب قانون به نهادهای مسئول سپرده می‌شود.

سکولاریسم نیز در این چارچوب به معنای جدایی نهاد دین از حکومت و رفع امتیاز سیاسی ناشی از عقیده مذهبی است. مؤمن و نامؤمن از حقوق برابر برخوردارند و هیچ‌کس برای مشارکت سیاسی مجبور به ترک باور شخصی خود نیست. دموکراسی با صندوق رأی آغاز می‌شود، اما با آزادی بیان، تشکل، دادخواهی و امنیت مخالفان دوام می‌آورد. ارزش این اصول هنگامی آشکار می‌شود که از حقوق کسی حفاظت کنند که با ما اختلاف دارد.

۳ جاوید شاه و چهار اصل تعهد دموکراتیک

«جاوید شاه» در معنایی که از آن دفاع می‌کنم، تعهد به سکولار دموکراسی است. هر حامی این شعار باید بتواند توضیح دهد که چرا حکومت مطلوب او به رأی مردم وابسته است، چگونه قدرت را محدود می‌کند و چه تضمینی برای آزادی مخالفان دارد. این یک مسئولیت سیاسی برای همه ماست؛ همراه هر بار بیان «جاوید شاه»، باید از محتوای دموکراتیک آن نیز دفاع کنیم. نام یک شخصیت یا یک نظام حکومتی، به تنهایی، جای این تعهد را نمی‌گیرد.

معنای این شعار باید در جمع هواداران، در گفت‌وگو با دیگر ایرانیان و در برابر جهان یکسان باشد. اگر از شاهزاده رضا پهلوی حمایت می‌کنیم، باید هم‌زمان نشان دهیم که تمامیت ارضی ایران با حقوق برابر همه مردم آن پیوند دارد و حکومت قانون با حق انتخاب شهروندان معنا پیدا می‌کند. اعتماد زمانی شکل می‌گیرد که مخاطب بداند می‌تواند با ما اختلاف داشته باشد، برای گزینه دیگری فعالیت کند و همچنان از همان حقوق برخوردار بماند.

تمامیت ارضی یعنی پاسداری از یکپارچگی ایران، همراه با احترام به حقوق برابر همه شهروندان در سراسر کشور. تعلق قومی، زبانی، مذهبی یا محل زندگی نباید مبنای تبعیض در مشارکت سیاسی و برخورداری از امکانات عمومی باشد.

حکومت قانون یعنی همه اشخاص و نهادها، در هر جایگاه، تابع قانون باشند. استقلال دادگستری، نظارت بر قدرت و امکان دادخواهی باید مانع حکومت شخصی و تصمیم‌های خودسرانه شود.

حق انتخاب یعنی مردم بتوانند در فضایی آزاد و با دسترسی به اطلاعات، درباره شکل حکومت و قانون اساسی تصمیم بگیرند، نمایندگان خود را برگزینند و از راه انتخابات واقعی و ادواری مسیر اداره کشور را تغییر دهند. هیچ فرد یا جریانی نباید نتیجه انتخاب مردم را از پیش تعیین کند.

برابری شهروندان یعنی رأی و حقوق هر ایرانی، فارغ از جنسیت، عقیده، دین، زبان، قومیت یا گرایش سیاسی، ارزش برابر داشته باشد. حمایت یا مخالفت با پادشاهی نیز نباید امتیاز یا محرومیت شهروندی ایجاد کند.

از همین رو، «جاوید شاه» نباید شرط برخورداری از حقوق شهروندی یا ورود به همکاری ملی شود. من می‌توانم با صراحت برای پادشاهی مشروطه استدلال کنم و هم‌زمان از حق جمهوری‌خواه برای تبلیغ و رقابت برابر دفاع کنم. پذیرش این حق، بخشی از همان مشروطه‌خواهی است. اگر رأی آزاد مردم نتیجه‌ای خلاف ترجیح من داشته باشد، وفاداری به قواعد دموکراتیک باید در عمل ادامه یابد.

۴ ائتلاف فراگیر با قواعد روشن

اولویت ما جذب نیروهایی است که می‌توانند در یک نظم سکولار و پارلمانی با یکدیگر رقابت کنند. لیبرال، سوسیال‌دموکرات، محافظه‌کار دموکرات، جمهوری‌خواه، پادشاهی‌خواه و شهروند دینداری که برابری حقوقی و جدایی دین از حکومت را می‌پذیرد، می‌توانند در این همکاری جای داشته باشند. لازم نیست همه به روایت تاریخی یا برنامه اقتصادی واحدی برسند. توافق امروز باید امکان ائتلاف و رقابت فردا را تضمین کند.

مرز همکاری را باید با رفتار و تعهد به قواعد مشخص کرد. جریانی که خشونت سیاسی، برتری حقوقی یک گروه، حذف دائمی مخالف یا استفاده از انتخابات برای تعطیل کردن انتخابات بعدی را تجویز می‌کند، با این چارچوب تعارض دارد. در مقابل، صرف چپ‌بودن، راست‌بودن یا مذهبی‌بودن، دلیل ضددموکراتیک‌بودن نیست. برجسب «افراطی» نیز نباید ابزار کنارزدن هر منتقدی شود. سنجش باید بر برنامه، عملکرد و پذیرش حقوق برابر استوار باشد.

چنین ائتلافی باید چهار اصل تمامیت ارضی، حکومت قانون، حق انتخاب و برابری شهروندان را مبنای همکاری قرار دهد. پذیرش نقش شاهزاده رضا پهلوی در هماهنگی گذار، برای همکاران جمهوری‌خواه به معنای انصراف از آرمان خود نخواهد بود. به همان اندازه، همکاری پادشاهی‌خواهان نیز باید با آزادی دفاع از گزینه مطلوبشان همراه باشد. پیوستن به جنبش، تعهد به یک فرایند آزاد و دموکراتیک است که نتیجه آن را مردم تعیین می‌کنند. اعتماد از ضمانت‌های متقابل و تجربه همکاری به دست می‌آید.

۵ حقوق بشر در مرکز مبارزه

به باور من، وجه سلبی جنبش باید با صراحت و استمرار بیان شود: مخالفت با استبداد دینی، دفاع از زندانیان سیاسی، محکومیت شکنجه و اعدام و حمایت از آزادی بیان و اعتراض مسالمت‌آمیز. این مطالبات می‌توانند انسان‌هایی با ترجیحات متفاوت درباره شکل حکومت را کنار هم قرار دهند. دفاع از قربانی نباید به نزدیکی او به جریان سیاسی ما وابسته باشد؛ اعتبار اخلاقی جنبش با همین معیار سنجیده می‌شود.

اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق زندگی، منع شکنجه، آزادی اندیشه و بیان، اجتماعات مسالمت‌آمیز و مشارکت در حکومت را به رسمیت می‌شناسد. [۲] من این اصول را تعهدی برای امروز و فردای ایران

می‌دانم. دادخواهی باید با حفظ اسناد، شنیدن صدای قربانیان و رسیدگی مستقل همراه باشد. آینده مطلوب ما باید امکان دفاع و دادرسی منصفانه را برای متهم نیز تضمین کند.

صراحت در محکومیت سرکوب با دقت در بیان ادعاها تقویت می‌شود. هر خبر یا عدد تأیید نشده‌ای که منتشر کنیم، می‌تواند اعتبار گزارش‌های درست را تضعیف کند. سخنگوی مسئول، میان واقعیت مستند، برآورد و تحلیل تفاوت می‌گذارد. چنین انضباطی برای جلب اعتماد رسانه‌ها و افکار عمومی ضروری است و از حرمت رنج قربانیان نیز حفاظت می‌کند.

۶ ریزش نیروهای نظام و حفظ توان اداره کشور

تشویق فاصله‌گرفتن افراد از ساختار سرکوب، بخشی از راهبرد گذار است. باید روشن باشد که کارمند، معلم، پزشک، کارگر یا نظامی، صرف اشتغال در یک دستگاه دولتی، مجرم محسوب نمی‌شود. همان‌گونه که عنوان شغلی کسی را خودبه‌خود بی‌گناه نمی‌کند، وابستگی سازمانی نیز جای بررسی مسئولیت فردی را نمی‌گیرد. امکان همکاری باید با ارزیابی صلاحیت، سوابق و رفتار اشخاص سنجیده شود.

این رویکرد به معنای چشم‌پوشی از جنایت نیست. مسئولیت کسانی که در سرکوب، شکنجه، قتل یا فساد نقش داشته‌اند باید در فرایندی مستقل و مستند بررسی شود. هم‌زمان، باید راهی معتبر برای قطع همکاری با سرکوب و خدمت در چارچوب قانون وجود داشته باشد. تهدید به حذف همگانی می‌تواند افراد بیشتری را به حفظ وضع موجود وابسته کند و توان اجرایی کشور را نیز کاهش دهد.

در دوره گذار، تداوم درمان، آب، برق، حمل‌ونقل و پرداخت معاش مردم اهمیت حیاتی دارد. اصلاح یا انحلال نهادهای سرکوب باید با برنامه حفظ خدمات عمومی همراه شود. حمایت از خانواده‌های کم‌درآمد و کسانی که بر اثر بازسازی اداری شغل خود را از دست می‌دهند، باید از پیش بررسی شود. مردم زمانی به تغییر اعتماد بیشتری خواهند کرد که درباره امنیت زندگی روزمره خود پاسخ قابل اتکا دریافت کنند.

۷ گفت‌وگوی خانه‌به‌خانه و دعوت به مشارکت آزاد

کار مهم امروز ما پرورش سخنورانی است که بتوانند توضیح دهند، بشنوند و امیدی متکی به عمل ایجاد کنند. سخنران موفق باید بتواند به نگرانی درباره بازگشت استبداد، امنیت دوره گذار، حقوق مخالفان و آینده معیشت پاسخ دهد. داشتن صدای بلند یا مخاطب فراوان کافی نیست؛ توان استدلال، شناخت موضوع و احترام به پرسش‌کننده است که گفت‌وگو را به اعتماد نزدیک می‌کند.

می‌توان نشست‌های منظم آموزش سخنوری و گفت‌وگو برگزار کرد، متن‌های کوتاه و مستند تهیه کرد و تمرین پاسخ‌گویی به پرسش‌های دشوار داشت. در این جلسات، پذیرش اشتباه و اصلاح اطلاعات باید عادی باشد. اگر می‌خواهیم جامعه‌ای پرسشگر بسازیم، فضای درون جنبش نیز باید امکان نقد داشته باشد. تحقیر فرد مردد یا مخالف، او را به مشارکت نزدیک نمی‌کند.

فعالان جنبش شیر و خورشید باید گفت‌وگوی مستقیم با مردم را جدی بگیرند؛ خانه‌به‌خانه و چهره‌به‌چهره، هر جا امن، قانونی و با رضایت افراد باشد. باید محترمانه پرسیم: «چه چیزی مانع پیوستن شما به جنبش است؟ چه نگرانی یا پرسشی دارید؟» سپس پاسخ را واقعاً بشنویم. هدف، دعوت آزادانه به همکاری است؛ هیچ‌کس نباید برای اثبات میهن‌دوستی مجبور به حضور، پرداخت پول یا افشای اطلاعات شخصی شود. حق پیوستن نیز بخشی از همان آزادی است که از آن دفاع می‌کنیم.

اگر نگرانی مخاطب بازگشت دیکتاتوری است، پاسخ ما باید روشن و قابل سنجش باشد؛ برای ایران آینده انتخابات آزاد، پارلمان مستقل، دولت پاسخ‌گو، دادگستری مستقل و آزادی نقد می‌خواهیم. از مردم نمی‌خواهیم به وعده‌ای بی‌ضمانت اعتماد کنند؛ باید درباره سازوکارهای مهار قدرت و حق تغییر مسئولان توضیح دهیم. دعوت ما پیوستن به جنبشی است که در آن مشارکت داوطلبانه باشد، تصمیم‌ها با روش‌های دموکراتیک گرفته شود و انتخاب نهایی حکومت به مردم تعلق داشته باشد.

جمع‌آوری کمک مالی نیز باید با هدف مشخص، حساب‌و‌کتاب روشن و گزارش هزینه همراه باشد. پشتیبانی از آسیب‌دیدگان، تولید محتوای مستند و برگزاری برنامه‌های مدنی، وقتی اعتماد می‌آفریند که نتیجه آن قابل مشاهده باشد. به جای محدودکردن مشارکت به تکرار یک شعار، باید امکان‌های متنوع خدمت و همکاری ایجاد کنیم.

۸ زبان مشترک با رسانه‌ها و جهان

برای ارتباط با رسانه‌های جریان اصلی، سیاستمداران و نهادهای مدنی، باید تصویری روشن از ایران مطلوب ارائه دهیم. مخاطب می‌خواهد بداند حقوق شهروندان چگونه تضمین می‌شود، قدرت چه محدودیت‌هایی خواهد داشت و کشور چگونه به مسئولیت‌های خود عمل خواهد کرد. توضیح سکولار دموکراسی پارلمانی، برنامه تداوم خدمات عمومی و قواعد پاسخ‌گویی، به این پرسش‌ها نزدیک‌تر از مناقشه صرف بر سر عنوان حکومت است.

موفقیت ارتباطات را نیز باید با نتیجه سنجید: آیا صدای زندانیان و خانواده‌ها شنیده شده است؟ آیا درخواست مشخصی پیگیری شده است؟ آیا نگرانی درباره آینده ایران پاسخ گرفته است؟ انتشار مقاله و گفت‌وگو به زبان‌های مختلف زمانی ارزش دارد که فهم دقیق‌تری ایجاد کند. هدف من از تأکید بر نوشتن گسترده درباره سکولار دموکراسی، گسترش همین فهم عمومی است.

در ارزیابی دولت‌های خارجی نیز باید میان امید، برداشت سیاسی و تصمیم اعلام‌شده تفاوت گذاشت. استقبال یک سیاستمدار یا پوشش یک رسانه، معادل شناسایی رسمی یک دولت جایگزین نیست. منافع و محاسبات کشورها می‌تواند تغییر کند. پشتیبانی خارجی باید در خدمت حق انتخاب ایرانیان باشد و اعتبار جنبش نیز بر توان اجتماعی و تعهدهای قابل سنجش خود آن استوار بماند.

۹ زمان مناسب تشکیل دولت در تبعید

پیشنهاد تشکیل دولت در تبعید را جدی می‌دانم و باور دارم ممکن است در مقطعی ضرورت پیدا کند. بااین‌حال، این عنوان را باید از دولت موقتی که مسئول اداره کشور در دوره گذار می‌شود، متمایز کرد. نهادی در خارج از کشور می‌تواند برای نمایندگی سیاسی و هماهنگی تلاش کند، اما توان اجرایی در داخل و پذیرش خارجی با اعلام نام آن به وجود نمی‌آید. حدود مأموریت و مبنای نمایندگی باید روشن باشد.

در ارزیابی من، ورود زودهنگام به تقسیم وزارتخانه‌ها می‌تواند اختلاف بر سر سهم، عنوان و صلاحیت اشخاص را جلوتر از گسترش همکاری قرار دهد. ساختاری پرهزینه و سنگین، ممکن است سرعت تصمیم‌گیری و توان سازگارشدن با تحولات را کاهش دهد. اکنون نقش هماهنگ‌کننده شاهزاده رضا پهلوی، همراه با مشاوران و کارگروه‌های حرفه‌ای و پاسخ‌گو، می‌تواند نیاز به یک محور سیاسی را تأمین کند؛ بی‌آنکه از همین امروز همه مسئولیت‌ها در قالب کابینه اعلام شود.

این موضع با ضرورت تشکل و آمادگی اجرایی کاملاً سازگار است. متخصصان باید از اکنون برای اقتصاد، خدمات عمومی، عدالت انتقالی و اداره اضطراری کشور کار کنند. طرح‌ها باید قابل بررسی و اصلاح باشند و مسئولیت هر گروه نیز مشخص شود. چابکی به معنای بی‌سازمانی نیست؛ به معنای ساختاری است که متناسب با مأموریت فعلی کار کند و برای گسترش در زمان لازم آماده باشد.

از نظر من، زمان اعلام نهاد گذار را باید با چند نشانه سنجید: گسترش اعتماد و همکاری در داخل کشور؛ توافق نیروهای دموکرات بر مأموریت موقت و حدود اختیار؛ آمادگی واقعی برای تداوم اداره کشور؛ و وجود امکان مشخص برای تعامل و پشتیبانی بین‌المللی. تغییر توازن به سود نیروهای خواهان گذار باید در این ظرفیت‌ها دیده شود. صرف افزایش هیجان یا توجه رسانه‌ای، معیار کافی نیست.

هنگامی که این شرایط به اندازه لازم فراهم شد، باید برای تشکیل نهاد متناسب با گذار به سرعت اقدام کرد. مأموریت آن باید محدود، پاسخ‌گو و معطوف به رساندن کشور به انتخاب آزاد مردم باشد. استقلال دادگستری، شفافیت مالی و نظارت بر تصمیم‌ها باید از همان آغاز جدی گرفته شود. آمادگی امروز به ما امکان می‌دهد در آن لحظه گرفتار شتاب‌زدگی یا کشمکش بر سر عنوان‌ها نشویم.

۱۰ معنایی که باید در عمل ساخته شود

هر ایرانی که «جاوید شاه» می‌گوید، باید در کنارش از سکولار دموکراسی پارلمانی دفاع کند و چهار اصل تمامیت ارضی، حکومت قانون، حق انتخاب و برابری شهروندان را به رفتار سیاسی خود پیوند دهد. این تعهد در نحوه برخورد با منتقد، صداقت در اطلاع‌رسانی و پذیرش رأی مردم آشکار می‌شود. حمایت از شاهزاده رضا پهلوی زمانی به ظرفیت ملی تبدیل می‌شود که ایرانیان بیشتری بتوانند با حفظ آزادی و استقلال رأی خود در این مسیر همکاری کنند.

وظیفه کنونی ما گسترش همین اعتماد است. باید با مردم گفت‌وگو کنیم، نگرانی‌هایشان را بشنویم و توضیح دهیم که هدف جنبش، حکومتی برآمده از انتخاب آزاد آنان است. دفاع از زندانیان و آسیب‌دیدگان، آموزش سخنوری و سازمان‌دهی و آمادگی برای اداره گذار باید در خدمت این هدف باشد. دولت در تبعید نیز باید در زمان مناسب بر چنین پشتوانه‌ای تکیه کند و مسئولیتش را به فراهم کردن انتخاب آزاد مردم محدود بداند.

برای من، اسم رمز «جاوید شاه» تعهد به ایرانی یکپارچه با شهروندان برابر، حکومتی مقید به قانون و سرنوشتی متکی به رأی مردم است. هر همراه جنبش باید بتواند به هم‌وطن خود اطمینان دهد که آزادی او با پیوستن یا نپیوستن به ما تغییر نمی‌کند. اعتبار شعار ما به دفاع عملی از همین حق انتخاب وابسته است.

منابع و نوشته‌های مرتبط

[۱] وبسایت رسمی شاهزاده رضا پهلوی، صفحه معرفی و اصول بنیادین. بخش‌های مربوط به انتخاب نظام سیاسی به دست مردم، انتخابات آزاد، جدایی دین از حکومت و برابری شهروندان. تاریخ مراجعه: ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۶.

<https://rezapahlavi.org/en/about>

[۲] سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸؛ به ویژه مواد ۳، ۵، ۱۸ تا ۲۱. دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر.

<https://www.ohchr.org/en/human-rights/universal-declaration/translations/english>

بخشایش، پیمان. «آینده ایران در بستر جنبش شیر و خورشید و انقلاب جاری»؛ «هنر دیالوگ و رتوریک در دل جنبش شیر و خورشید»؛ «در دفاع از تشکل سیاسی»؛ «از هوش سیاسی تا درایت تاریخی». نوشته‌های مرتبط نویسنده درباره ائتلاف دموکراتیک، اخلاق اقناع و سازمان‌یابی سیاسی.